جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

نگاهی به پویانمایی «مرد عنکبوتی: آن سوی دنیای عنکبوتی»

تکرارِ تکراری با چاشنی جدید!

فاطمه قاسم‌آبادی

کمیک بوک‌ها، از زمان‌های قدیم مورد توجه مخاطبین غربی و به ویژه آمریکایی بوده است، ولی دنیای این کمیک بوک‌ها که اغلب داستان‌هایی در مورد قهرمانان آمریکایی که دنیایی را از شر بدی‌ها و تبهکاران نجات می‌دادند ترسیم می‌کردند، به سرعت با تبلیغات فراوان، در دنیا و بین مردم دیگر کشورها هم محبوب شدند. این فرهنگ‌سازی توانست به قدری موفق باشد که شخصیت‌های کمیک بوک‌ها، در مدت کوتاهی، قلب نوجوانان بسیاری را در سر تا سر جهان فتح کردند.

«استن لی» خالق بسیاری از شخصیت‌های کمیک بوکی مانند مرد عنکبوتی، مرد آهنی، هالک، ثور، دردویل، دکتر استرنج، مردان ایکس، چهار شگفت‌انگیز و... با وجود اینکه قبلا سرباز ارتش آمریکا بود ولی ارتش را رها و وقتش را روی نوشتن متمرکز کرد و درمورد انگیزه‌اش برای خلق شخصیت‌های کمیک بوکی ابر قهرمان، در یک جمله می‌گوید: «می‌خواستم این بار با قلمم به کشورم خدمت کنم» این جمله خود گویای این مطلب است که تسخیر ذهن مردم دنیا و مخصوصا تحت تاثیر قرار دادن نوجوانان از طریق تزریق فرهنگ و جا انداختن تسخیرناپذیری قهرمان آمریکایی، می‌تواند خدمتی بسیار بزرگ تر از خدمت در ارتش این کشور باشد....

انیمیشن «مرد عنکبوتی: آن‌سوی دنیای عنکبوتی» به کارگردانی «جاکوئین داس سنتوس» محصول سال ۲۰۲۳ آمریکاست. این انیمیشن ادامه انیمیشنی از سال ۲۰۱۸ است.

داستان مرد عنکبوتی جدید

داستان انیمیشن «مرد عنکبوتی: آن سوی دنیای عنکبوتی» ادامه‌ای است بر قسمت قبلی این انیمیشن که در سال ۲۰۱۸ ساخته شد.

در این قسمت «مایلز مورالز» جوان رنگین پوست که در نهایت موجودیت خود به عنوان مرد عنکبوتی را پذیرفته است با دوستان خود برای نجات مردم از دست تبهکاران دست به‌کار می‌شود و بعد از مشکلات عاطفی و اتفاقات بسیار زیاد، دوباره با دوست خودش «گوئن استیسی» که او هم زن عنکبوتی است و متعلق به دنیای عنکبوتی‌ها، متحد می‌شود و در کنار انجمن عنکبوتی، تیمی از افراد را تشکیل می‌دهد که وظیفه حفاظت از موجودیت «جهان‌های دیگر» را بر عهده می‌گیرند....

در تسخیر فمنیست‌ها

در انیمیشن جدید مرد عنکبوتی، مخاطبین می‌بینند که مانند قسمت اول، کل داستان کلاسیک مرد عنکبوتی، عوض شده است. البته این منطقی است چرا که با توجه به ساخت چندین فیلم از کتاب‌های کمیک مرد عنکبوتی، دیگر خط داستانی قبلی خیلی تکراری شده بود و برنامه‌سازان هالیوود که این مجموعه را پولساز دیدند، تصمیم گرفتند با ورود این شخصیت به دنیای انیمیشن، باز هم داستانی نسبتا تازه از آن را به خورد مخاطبین عاشق دنیای کمیک‌ها بدهند.

در این انیمیشن شخصیت زن ماجرا یا همان گوئن، برعکس نسخه قدیمی سینمایی‌اش «ماری جین» که دختری بود که در ناآگاهی به سر می‌برد و از نظر شخصیتی هم تا حدودی منفعل به نظر می‌رسید، خودش به عنوان قهرمان در داستان وجود دارد و تیپ پسرانه دارد، یک طرف موهایش را به سبک مدرن تیغ زده است و در یک کلام، آثار زنانگی چندانی ندارد....

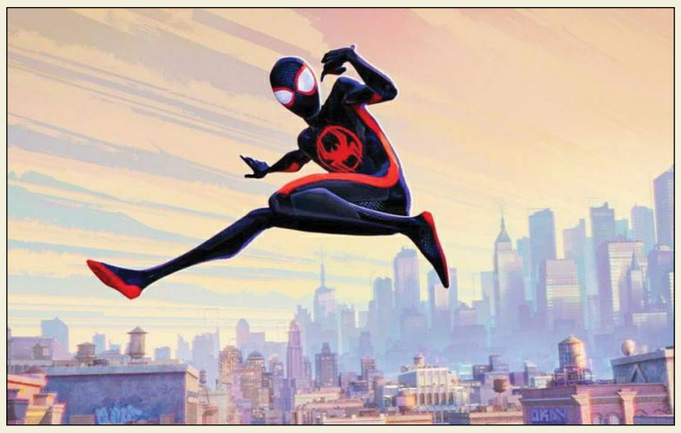

این دختر طبق داستان جدید، عشقی به نام «پیتر پارکر» داشته است که او را به خاطر اشتباه پارکر در استفاده از ماده‌ای که پیتر را تبدیل به هیولا کرد، کشته است... در نسخه‌های قدیمی شخصیت پیتر پارکر مرد عنکبوتی بود که حقیقت را از عشقش «ماری جین» مخفی می‌کرد و در داستان جدید دختر ماجرا خودش زن عنکبوتی است و پیتر را می‌کشد!

این حجم از نشانه‌های فمنیستی در یک انیمیشن که مخاطبینش معمولا نوجوانان هستند جالب توجه است و نشان از این مسئله دارد که سازندگانش با استفاده از شخصیت‌های کمیک‌ها به خاطر علاقه نوجوانان بیشتر از گذشته سعی در کنترل ذهن مردم و مخاطبین نوجوان دارند و در این بین حتی داستان اولیه که باعث جذب مخاطبین هم شده می‌تواند تغییر کند و به ناکجا آباد برود.

هرج و مرج و دیگر ابعادش

در انیمیشن «مرد عنکبوتی: آن سوی دنیای عنکبوتی»، مخاطبین با دنیای بسیار مدرنی طرف هستند که همه چیزش متفاوت و مخصوص به خود است. گرافیک کار برای کسانی که به سبک‌های کلاسیک انیمیشن‌ها علاقه‌مند هستند، بسیار اعصاب خوردکن و روح خراش است و بیشتر شبیه نقاشی‌های سبک پاپ آرت و کمیک بوک‌ها است.

دنیای مرد عنکبوتی جدید هم دیگر شباهتی به نسخه‌های سینمایی قبل از خودش ندارد و کاملا فضا در دنیایی متفاوت جریان دارد و در این دنیای جدید، هرج و مرج و جرم و بزهکاری چنان رواج دارد که برای شخصیت‌های داستان که مثلا باید ضد جرم و جنایت باشند، به نوعی اتفاقات روزمره و حتی شوخی شباهت دارد.

در این نسخه از مرد عنکبوتی، شخصیت‌های اصلی برای حفاظت از ابعاد دیگر یا همان جهان‌های دیگر، مامور می‌شوند.

ایده جهان‌های دیگر در یک دهه اخیر، به شدت مورد استفاده برنامه‌سازان غربی قرار گرفته است. سریال لوکی، فیلم دکتر استرنج ۲، فیلم اسپایدرمن راهی به خانه نیست و تعدادی از کارهای نولان و... همه از این دست ساخته‌ها هستند. اینکه قهرمانان جدید آمریکایی دیگر دنیای فعلی را نجات داده‌اند و می‌خواهند پا را فراتر از نجات این دنیا بگذارند، نشان از اتاق فکرهایی دارد که سعی دارند شکست‌های پی‌درپی آمریکا در سیاست‌هایش در دنیای واقعی را، در دنیای خیالی به پیروزی تبدیل کنند و در این راه از دنیای محبوب کمیک بوک‌ها و داستان‌های تخیلی کمک می‌گیرند.

سهم مهاجران و دیگر نژادها

در نسخه جدید مرد عنکبوتی، مخاطبین می‌بینند که شخصیت اصلی ماجرا یا همان مرد عنکبوتی، پسری از یک خانواده رنگین پوست است.

اینکه در سیاست‌های یک دهه اخیر و به خاطر فشارهای رسانه‌ای، هالیوود به سمت تبدیل برخی شخصیت‌های سفیدپوست به شخصیت‌های سیاه‌پوست رفته است مسئله‌ای است که به شدت به چشم می‌آید.

در واقعیت سیاه‌پوستان و دیگر رنگین‌پوستان در کشورهای غربی و به خصوص در آمریکا، مشکلات بسیار فراوانی دارند و هر روز با تحقیرهای فراوانی روبه‌رو می‌شوند. در جایی از داستان همین انیمیشن، پدر مایلز در مورد خودش و برادرش که هر دو پلیس هستند در مواجهه با جامعه نژادپرست همین را می‌گوید که «قبلا شما ما رو از مغازه‌هاتون بیرون می‌کردید ولی حالا ما مراقب شما هستیم».

حالا با توجه به سیاست‌های جدید در ساخته‌های بروز هالیوود، این تحقیرها و ظلم‌ها با گذاشتن شخصیت‌های رنگین‌پوست به جای قهرمانان سفید پوست سابق، قرار است، آن بخش از مهاجرین و رنگین‌پوستان عصبانی و سرخورده را جذب این داستان‌ها کند و شأنی که در دنیای واقعی این رنگین‌پوستان در آمریکا ندارند را در فیلم‌ها و سریال‌ها و جدیدا انیمیشن‌ها تجربه کنند.

خدمتگزار دنیای سرمایه‌داری

در نسخه جدید انیمیشن مرد عنکبوتی، مخاطبین می‌بینند که مرد عنکبوتی که قبلا شخصیتی در سایه بود و سعی داشت تنها به مردم کمک کند، در این نسخه برای گذراندن زندگی‌اش به جای کار کردن در تبلیغات شرکت می‌کند و رابطه خوبی با پول درآوردن دارد!

این شخصیت بر خلاف مرد عنکبوتی سابق که تنها دغدغه‌اش علم و نجات مردم از دست تبه‌کاران بود، بیشتر به خاطر دیده شدن و جلب توجه وارد این راه شده است و در این میان اگر موقعیتش پیش بیاید کسی را هم نجات می‌دهد! در یک کلام مرد عنکبوتی جدید بیشتر از یک قهرمان، به دلقکی رنگین‌پوست با نیروهای ماورایی شباهت دارد!

در نسخه جدید مرد عنکبوتی، مخاطبین می‌بینند که تعداد عنکبوتی‌ها بیشتر از آن چیزی است که قبلا بود و تمام این مثلا قهرمانان برای مبارزه با دشمنی از دنیایی دیگر با هم متحد شده‌اند و دیگر مانند نسخه‌های سابق، افراد شرور و سرمایه‌داران نابکار این دنیا، مسئله مرد عنکبوتی نیستند.

تاثیر تبلیغات

انیمیشن «مرد عنکبوتی: آن‌سوی دنیای عنکبوتی»، پیش از اکران به شدت در رسانه‌های مختلف تبلیغ شد. این انیمیشن که محصول کمپانی‌های بزرگی مانند کلمبیا پیکچرز، مارول اینترتیمنت، سونی پیکچرز و... بود با حمایت‌های بالای رسانه‌ای توانست علی‌رغم موضوع قدیمی‌اش، نقدهای بسیار خوبی را دریافت کند.

انیمیشن جدید مرد عنکبوتی در گیشه هم فروش بالایی داشت و با توجه به بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری‌اش توانست نزدیک به ۷۰۰ میلیون دلار بفروشد.

این انیمیشن ثابت کرد که رسانه تا چه حد می‌تواند روی سلایق و علاقه‌مندی مخاطبین خود نفوذ داشته باشد تا حدی که یک داستان نخ‌نمای قدیمی را با دستکاری‌های ناشیانه در شخصیت‌پردازی‌اش می‌شود به جای داستانی جدید خورد مخاطبین داد.

نگاهی به توحش رسانه‌ای ضدانقلاب علیه مراسم عزاداری محرم

مقصدی نامعلوم برای مهاجرانی خاص

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

محرم آمد و روزهای آغازین آن هم رفت و مثل هر سال، نه تنها در ایران، بلکه در سرتا سر جهان عزاداری‌های باشکوهی برای امام‌حسین(ع) برگزار شد؛ اما در این میان به‌رغم همه تبلیغات پروپاگاندای رسانه‌های فارسی زبان معاند که با سناریویی تضعیف، تخریب و تحریف محرم را در پیش گرفتند؛ اتفاق قابل توجه اینکه، نه تنها برگزاری باشکوه‌تر مراسم عزاداری در سرتا سر ایران اسلامی بود، بلکه عزاداری‌های امت امام‌حسینی سایر کشورها و حتی در اروپا وآمریکا - تا مقابل کاخ سفید- بود که پر شورتر از سال‌های قبل برگزار شد.

اشاره رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با کارکنان ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی و خانواده‌های آنان نیز دقیقا موید بر همین مطلب است که فرمودند:

«امسال محرم پرشوری بود؛ به برکت توجهات حضرت بقیه‌الله اروحنا فداه، دشمن‌ها سعی کردند! سعی کردند، تلاش کردند که محرم را بی‌رونق کنند! درست نقطه مقابل آنکه آنها می‌خواستند اتفاق افتاد؛ دهه عاشورای امسال از دهه‌های عاشورای سال‌های قبل پر شورتر، پرحرکت‌تر، پر رونق‌تر و پرفایده‌تر بود. کار خدا این جوراست، کاری که برای خدا انجام بگیرد و در خط اهداف الهی باشد خدای متعال به آن کمک می‌کند»

در موضوع عزاداری‌ها و سوگواری‌ها ی محرم و تقابل معنایی امت امام حسین(ع) و رسانه‌های معاند، کنش‌ها و واکنش‌های خاص، به‌ویژه از جنس کنش‌های مهاجران ایرانی، دارای معنا و مفاهیمی جز آنچه در ظاهر دیده می‌شد وجود داشت که در بستر فضای مجازی بیشتر احساس شد و فاصله شخصیتی و هویتی دو گروه از مهاجرین ایرانی نسبت به سایر مهاجرینی که به طریق معمول و عادی و بر اساس نیاز واقعی مهاجرت کردند؛ در دنیای غرب کاملا به چشم آمد؛ دو گروهی که حقیقتا خود را بیش از پیش تحقیر کردند و جنبه‌های پنهان اخلاقی و رفتاری خودشان را در معرض قضاوت عموم قرار دادند که حتی رسانه‌های وابسته به خودشان نیز زبان به انتقاد و مخالفت با آنها باز کردند.

گروه اول، اغلب سلطنت طلب‌هایی هستند که از اول انقلاب اسلامی به یکباره و سیل‌آسا مهاجرت را برگزیدند و از همان ابتدا تکلیف خودشان را با نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن مشخص کردند و طی این سال‌ها با گذشت هر سال از پی سال قبل، نسبت به دستیابی به اهداف خود نا امیدتر شدند و به‌رغم اندک امید واهی و توهم گونه‌ای که به تغییر داشتند، فقط «هر سال، دریغ از پارسال» نصیبشان شده؛ تا اینکه پس از آشوب‌های پاییز سال گذشته، به‌طور افسارگریخته و بی‌ملاحظه هر گونه احتیاطی و با توسل به هر رفتار و گفتار غیر عرف و معمول، فرصت عرض اندام بیشتری پیدا کردند و با گذشت چهل و سه سال از انقلاب، این نقطه را نقطه پایانی همه امیدهای خود می‌دانستند و خودشان هم بنا به اظهاراتشان در شبکه‌های ماهواره‌ای پوچشان، معتقدند که اگر در این مقطع کاری صورت نگیرد؛ این جماعت مطرود از فرط پیری، دیگر هیچ‌گاه به آرزوی محال خود دست نخواهند یافت و در همان غربت هلاک خواهند شد؛ لذا در این مقطع و در محرم امسال و در آستانه سالگرد آشوب‌های سال گذشته دوباره متوحش‌تر و مبتذل‌تر و فحاش‌تر از سال‌های قبل، به ارزش‌های انقلاب و اسلام چه در خیابان‌ها و چه در رسانه‌ها حمله‌ور شدند و به‌رغم تبلیغات رسانه‌ای که برای بعضی‌ها تازگی داشت؛ این‌ها تکلیفشان از اول مشخص بود و هیچ‌گاه طی این دورانِ پس از انقلاب، آنها جزئی از جامعه ایران نبودند که حالا بخواهیم آنها را در شمار ایرانیان به شمار بیاوریم؛ چرا که دهه‌هاست که از ایران رفته‌اند و جز تعداد انگشت شماری، مابقی نه دارای تحصیلات خاصی هستند و نه نخبه به شمار می‌آیند و نه مهارت و هنر خاصی جز عیاشی دارند؛ بلکه گروهی متمکن از چپاول بیت‌المال در زمان طاغوت هستند که با ثروت هنگفت مردم، زندگی به سبک غرب را در غرب برگزیده‌اند و به دلیل گرایشی که به این نوع زندگی عیاشی رها شده از قیود دینی و مذهبی و هویتی دارند؛ به جرات می‌توان گفت؛ این جماعت حتی اگر حکومت پهلوی هم ماندگار بود به دلیل خود تحقیری که از ایرانی بودن خود دارند در نهایت، ایران را ترک می‌کردند و هیچ علقه و تعلقی جز زبان مادری که از آن هم به ناچار مفری نداشتند؛ چیز دیگری برای ایرانی بودن ندارند و فقط فرصت پیش آمده آشوب‌های به اصطلاح زن، زندگی، آزادی، با برجسته‌سازی رفتار فواحش و بهائیت و منافقین، فرصت ابراز وجودی برای آنها محسوب می‌شود.

در سوی دیگر باز هم عده‌ای هستند که به تدریج از ایران مهاجرت کردند و هر کدام دلایل خاصی داشتند و غیر قابل انکار است که در بین این گروه تدریجی، نخبگانی از دانشگاه، سیاست، ورزش، هنر، صنعت و... وجود دارند و مسلم است که نوع و سبک زندگی یک نخبه چه در جامعه غربی و چه در جامعه ایران و یا هر جامعه دیگر متفاوت از مابقی است و به معنای واقعی، آن نخبه به دنبال رشد خودش هست و به جز مواردی نادر، سایر نخبه‌ها خود را در بازی‌های پروپاگاندای رسانه‌ها و در رفتارهای توحش گونه و فحاشی‌ها و هتاکی‌ها دخالت نمی‌دهند و در محافل سیاسی و حتی اجتماعی نیز کمتر حضور پیدا می‌کنند.

سؤال این است که پس چه کسانی هستند که در یک اجتماع کوچک خود ترتیب داده نیز دست به توحش و فحاشی و هتاکی می‌زنند؛ و چه کسانی هستند که با حقارت تمام حتی به مراسم مذهبی در آمریکا و اروپا حمله می‌کنند و عزاداران را آزار می‌دهند؟

مسلم است که گروه اول یا همان گروه«یکباره» سلطنت‌طلب‌ها هستند که از اول نیز همین‌گونه عیاش و فحاش بودند و الان که امیدشان دیگر از همه چیز قطع شده جز توحش و هتاکی و فحاشی چیز دیگری در دست ندارند و تنها سرمایه آنها دیده شدن به هر نحو ممکن است که در بستر این نوع رفتار عصر حجری تلاش دارند خودشان را نشان بدهند و یا از گروه دومی «تدریجی» هستند که به تدریج، اما نه به‌عنوان نخبه، بلکه به‌عنوان یک شهروند عادی و فقط بر اساس هوچی‌گری ایران را ترک کرده‌اند و چون دارای سرمایه کامل مثل گروه اول(سلطنت طلب‌ها) نیستند و نیز چون دارای مهارت و هنر و حرفه خاصی نیز نمی‌باشند از فشار سنگین زندگی در غرب رو به این‌گونه رفتارها می‌آورند و به نوعی خشم از خود را که با حماقت ایران را ترک کرده‌اند بر سر عزادارهای امام حسین(ع) خالی می‌کنند.

این گروه با خیال اینکه زندگی بی‌دردسر و پر از رفاه در غرب به دست خواهند آورد؛ تن به مهاجرت سپردند، اما وقتی با زندگی بسیار محصور و مختصر آپارتمانی شرکتی، آن هم با هزینه‌ها و مالیات گزاف روبه‌رو شدند به دلیل ایجاد نقطه‌های تفاخرآمیز کاذب زندگی در غرب، دیگر روی بازگشت به ایران را ندارند و نمی‌توانند برگردند و بین دوستان و آشنایان و اقوام بگویند که ما اشتباه فکر می‌کردیم؛ لذا بدینوسیله خشم درونی خود را در فرصت به‌دست آمده به نفرت از مکتب امام حسین(ع) و عاشقان امام‌حسین(ع) تبدیل کردند که در فضای مجازی حتما حمله و فحاشی این انسان‌های حقیر به دسته‌های عزاداری و نیز نمادها مذهبی را دیده اید. البته نوع احمقانه‌ای باز مانده از این طیف در داخل کشور نیز وجود دارند که فرصت یا امکان مهاجرت را پیدا نکردند و در همین ایام دست به همان اقداماتی زدند که در بیرون از کشور رفقایشان انجام دادند.

انسان اصیل و دارای هویت در هر کجای جهان که زیست کند؛ هویت و اصالت خویش را معامله نمی‌کند و یا آن را سبک نمی‌شمارد؛ آنهایی که اول انقلاب اسلامی با بهانه وجود انقلاب اسلامی در ایران وطن خویش را ترک کردند و اغلب نیز وابستگان به قدرت پهلوی بودند؛ شرحشان کاملا واضح است و وقتی به راحتی حدود نیم قرن است که دل از سرزمین خود کنده‌اند؛ نمی‌شود از آنها هیچ توقعی داشت و مسلم است که اگر آنها می‌خواستند با ارزش‌های اسلامی و ایرانی زندگی کنند؛ اصلا با جریان انقلاب مقابله نمی‌کردند و یا در ساختار پهلوی ارزش‌ها را عوض نمی‌کردند که‌ای بسا فرقه ضاله بهائی نیز در بین آنها جولانی پر رنگ داشت و به صراحت می‌توان گفت که همان بهتر که رفتند! اما بعد از چهل و سه سال این حجم از فعالیت رسانه‌ای بخصوص در فضای مجازی از سوی آنها امری است که سؤال برانگیز می‌شود و نقطه‌ای است که باید به آن توجه داشت.

و آنهایی هم که در توهم روشنفکری و یا ناسیونالیسم عرب و عجم و یا، در مفاهیم اومانیستی خارج از تعلق به دین و مذهب قرار گرفتند و یا از دین توقع انتفاع مادی داشتند و حاصل نکردند و یا اصلا ضدیت با انقلاب اسلامی دارند نیز اگر چه شاید مبداشان مشخص و معین است که برخاسته از ایرانند؛ اما مقصدشان کاملا نامعلوم به بی‌نهایتی از پوچی و بی‌هویتی است که اگر دارای هویت و اصالت و ارزش بودند به جرات می‌توان گفت که جرات هتاکی و اهانت به آستان امام حسین(ع) و عزادارنشان را به دست نمی‌آوردند؛ چرا که تاریخ به خوبی نشان داده است که مخالفین امام حسین(ع) و هتاکان به او و مسیر او، در کجای تاریخ قرار گرفتند.

«بازپرس»

معمایی و افشاکننده دانه‌درشت‌های فساد

رسول شمالی ورزنده

چند سالی است که رسانه ملی در راستای ساخت مجموعه‌هایی با موضوعات امنیتی، سیاسی- اجتماعی، فساد اقتصادی، نفوذ عناصر ضدانقلاب، رونمایی از چهره آقازاده‌های فاسد و... دست به تولید مجموعه‌های فاخری زده است که به‌خوبی توانست روایت‌گر حقایقی باشد که برای مخاطب تلویزیونی جذاب و دیدنی باشد و آنها را پای تلویزیون بنشاند. در همین رابطه شاهد تولید و پخش مجموعه‌هایی مثل «گاندو»، «خانه امن» و... از شبکه‌های تلویزیونی سازمان صدا و سیما بودیم. پخش این مجموعه‌ها علاوه‌بر دادن آگاهی‌های لازم به مخاطبان و بیننده‌های تلویزیون در واقع اسرار پشت پرده اخلالگران بزرگ اقتصادی در کشور، دانه درشت‌های فساد اقتصادی، مسائل جاسوسی- امنیتی، نفوذ عناصر فتنه‌گر و جاسوس در داخل نهادها و ارگان‌ها و عوامل وابسته به استکبار جهانی و ضد انقلاب را نمایان ساخت. همین امر باعث شد که در دوره تحول جدید مدیریتی در سازمان صدا و سیما این حرکت و رفتن به سمت ساخت چنین آثاری سرعت بیشتری به‌خود بگیرد و حمایت‌های بیشتری از این تولیدات در رسانه ملی بشود، یکی از مجموعه‌هایی که در حال حاضر این شب‌ها شاهد پخش آن از شبکه یک تلویزیون هستیم، مجموعه «بازپرس» است. مجموعه‌ای که به عنوان یک اثر جذاب و تخصصی قوه‌قضائیه که تاکنون توانسته مخاطبان زیادی را پای تلویزیون بنشاند و مورد توجه مقامات قوه قضائیه به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس دستگاه قضا قرار گیرد، طوری که رئیس قوه قضائیه کشورمان اخیرا در دیداری از پشت صحنه تولید مجموعه«بازپرس» ضمن تقدیر و تشکر از عوامل تولید این مجموعه و صحبت با آنها و همچنین برخی از بازیگران آن، به ادامه تولید چنین مجموعه‌هایی با حساسیت بیشتر به همه موضوعات قضائی و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای تاکید ورزید و با حمایت کامل از ساخت مجموعه‌هایی مثل «بازپرس» تهیه‌کننده و کارگردان آن را به تولید مجموعه‌هایی نظیر آن تشویق کرد.

مجموعه تلویزیونی«بازپرس» که براساس پژوهش دو ساله روی پرونده‌های واقعی قضائی و حقوقی کشور توسط حسین تراب‌نژاد به فیلمنامه تبدیل شده با مشارکت مرکز رسانه قوه قضائیه به مرحله تولید رسیده است، مجموعه تلویزیونی «بازپرس»که از اوائل تیر امسال روی آنتن شبکه یک رسانه ملی رفته است در ۲۷ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای ساخته شده است و در فضایی کاملا قضائی و حقوقی سیر می‌کند. دوربین مجموعه «بازپرس» حول محور موضوع جرم و جنایت و همچنین اخلال در مسائل اقتصادی کشور، مبارزه با سرشبکه‌های فساد اقتصادی، عوامل نفوذی و آقازاده‌های فاسد در برخی از مسائل کلان اقتصادی و موضوع کلاهبرداری و خیانت در امانت دور می‌زند و در واقع مخاطبان شبکه یک را با خود به درون لایه‌های یک جریان بزرگ تبهکاری و فساد اقتصادی و رانت و رانت‌خواری می‌برد که به‌نظر می‌رسد که جذابیت مجموعه تلویزیونی «بازپرس» علی‌رغم معمایی بودنش با شیرینی دوچندانی همراه شده است که از نگاه احمد معظمی کارگردان این مجموعه دور نمانده است و او به‌خوبی توانسته قطعات مورد نظر در این مجموعه را کنار هم بچیند.

اگرچه از قسمت‌های اول شروع این مجموعه شاهد چند قصه همزمان و موازی با اصل داستان هستیم اما محور اصلی، پرداختن به فسادی است که سعی دارد از هر روزنه‌ای استفاده کند و جامعه اسلامی ما را به آشوب بکشد. شخصیت اصلی این سریال صدرا با بازی محسن قصابیان در پی کشف یک شبکه بزرگ فساد اقتصادی و عوامل نفوذ در آن است و در همین راستا روایت قصه به درون لایه‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی صدرا هم سرکی می‌کشد و تلاش دارد که مسائل زندگی خانوادگی و مشکلات این بازپرس متعهد و پاک‌دست را به‌گونه‌ای ملموس برای بیننده‌های تلویزیون به تصویر بکشد. در همین رابطه در قسمت‌های اول مجموعه«بازپرس» صدرا برای کاری بزرگ و مبارزه با یک شبکه بزرگ فساد اقتصادی از محل خدمت قبلی‌اش، بندر عباس به تهران فراخوانده می‌شود اگرچه در ابتدای کار با مقاومت همسرش که سوگل طهماسبی نقش آن را ایفا می‌کند و معلم یک مدرسه در بندرعباس است مواجه می‌شود اما با اصرار فراوان صدرا بالاخره به تهران کوچ می‌کنند تا این بازپرس با تجربه بتواند ماموریتی که به او محول شده است را از نزدیک دنبال کند. تا همین جای کار اگرچه فضای قصه همچنان در بخش‌هایی برای مخاطب نامفهوم و معمایی است و برخی از سکانس‌ها و روایت‌ها جسته و گریخته و پرابهام روایت می‌شود و در چند ماجرای هم زمان که هم سو با هم نیستند قصه این مجموعه در حال اتفاق افتادن است اما بازپرس صدرا به‌دنبال کشف حقایقی است که هدف اصلی رسیدن به سران اصلی باند بزرگ و فساد اقتصادی است. به‌نظر می‌آید که بازپرس صدرا در این ماجرا تنهاست و یک تنه قصد دارد که دنبال عناصر اصلی ماجرای فساد اقتصادی بگردد و حاشیه‌ها هرگز او را از هدفش دور نمی‌کنند. حتی برخی از بد اخلاقی‌های دوستان، فامیل و خانواده هم در تصمیم‌گیری‌های او نمی‌توانند تاثیر بگذارند. به‌گونه‌ای که در سکانس‌هایی از این مجموعه هم شاهد درگیری صدرا با باجناقش هستیم که او هم بازپرس است و نقشش را فرهاد قائمیان برعهده دارد. این دو در یک فرآیند و پرونده قضائی با هم دچار چالش کاری سخت و درگیری لفظی می‌شوند و ماجرا بسیار متشنج می‌شود و همین امر موجب اختلاف بین دو خانواده هم می‌شود. اما علی‌رغم این اتفاق، بازپرس صدرا همچنان مصمم‌تر از قبل به کارش ادامه می‌دهد و هرگز از تصمیمش برنمی گردد و...

به هرحال احمد معظمی کارگردان مجموعه «بازپرس» با توجه به مطالعه پرونده‌های واقعی قضائی و انتخاب نوع کاراکترها و شخصیت‌های قصه و تعیین به جای بازیگران سعی کرده ضمن حفظ شالوده اصلی داستان به موضوعات حاشیه‌ای و کوچک جامعه و انسان‌هایی که برای داشتن یک زندگی پاک و سالم تلاش می‌کنند هم نگاهی عمیق داشته باشد. به همین خاطر هم به لایه‌های درونی این نوع افراد هم پرداخته است. قصه آقای هدایت که مهدی فخیم‌زاده به خوبی در نقش یک پیرمرد زحمتکش است. داستان زندگی هدایت، روایت زندگی خانواده‌ای متوسط است با دو فرزند پسر و دختر، دختری که در آستانه ازدواج است و پسری که قصد مهاجرت به خارج از کشور دارد و بقیه ماجرا... و در نهایت اینکه هدایت سرپرست خانواده‌ای است که با سیلی صورت خود را سرخ نگاه داشته‌اند تا محتاج دیگران نباشند و ماجراهایی که برای هدایت و اتفاقاتی که بین او و دوست قدیمی‌اش رخ می‌دهد هم در واقع یکی از دیگر مسیرهای قصه مجموعه «بازپرس» است که از طریق آن بناست اهداف مدنظر یعنی کنار زدن موضوعات پشت پرده شبکه فساد اقتصادی پرداخته شود. در بخش‌هایی از مجموعه تلویزیونی «بازپرس» هم شاهد نفوذ عناصر شبکه بزرگ فساد اقتصادی در بین قشرهای نیازمند جامعه هستیم و دوربین بازپرس ضمن کند وکاو در فضایی از شهر وارد بستری از جامعه می‌شود و به‌دنبال شخصیت‌هایی است که نماد آنها انسان‌های پاکی است که دنبال کسب یک لقمه نان حلال برای خانواده‌شان هستند که بناگاه و اتفاقی در دام افراد شیطان صفت و نفوذی شبکه فساد قرار گرفته و بدام می‌افتند و ضمن گرفتار شدن در منجلاب فساد مجبورند تن به هرکاری بدهند. در این زمینه هم بازپرس وارد میدان می‌شود و در واقع این موضوع برای او می‌تواند سرنخی باشد برای رسیدن به سرشبکه‌های باند فساد اقتصادی. داستان معمایی کار که گاهی نیز برای مخاطب پیچیده می‌گردد هرچقدر به جلو می‌رود حقایق بیشتری را برای مخاطبش روشن می‌سازد.

یکی دیگر از مواردی که در مجموعه تلویزیونی«بازپرس» سعی شده است که به‌طور پررنگ‌تر به آن پرداخته شود بحث آقا زاده‌هاست که شاید در آثار داستانی تلویزیونی کمتر به آن پرداخته و تاکید شده و به نمایش درآمده است. در این مجموعه، بدون هیچ ملاحظه و فشار تلاش شده که بحث نفوذ و حضور برخی از آقازاده‌ها در مسائل فساد اقتصادی کلان کشور به طرز زیبایی مطرح و به تصویر کشیده شود. در همین رابطه هم می‌بینیم که صدرا، بازپرس پرونده یکی از آقا زاده‌ها هم می‌شود و به‌طور محکم و قاطع در برابر همه درشت گویی‌های آن آقازاده می‌ایستد و مثل همه متهمان یک پرونده با او برخورد می‌کند. این نشان می‌دهد که رسانه ملی در جریان ساخت این نوع مجموعه‌ها ضمن همکاری نزدیک با قوه قضائیه خواهان اجرای عدالت در جامعه است و در این مسیر بازوی پرتوان رسانه‌ای برای قوه قضائیه است که در طول پخش مجموعه «بازپرس» به‌طور ملموس شاهد آن هستیم و در واقع نگاه جسورانه و بی‌اغماض عوامل تولید این مجموعه به موضوعات کلان فساد اقتصادی و عناصر فساد و به تصویر کشیدنش یکی از اهداف اصلی تولید این مجموعه بوده که حمایت کامل قوه قضائیه و پشتیبانی کامل سازمان صدا و سیما را به‌دنبال داشته و دارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که رسانه ملی، رسالت سنگینی در به تصویر کشیدن این نوع سوژه‌ها و موضوعات مطالبه‌گرایانه مردم دارد.
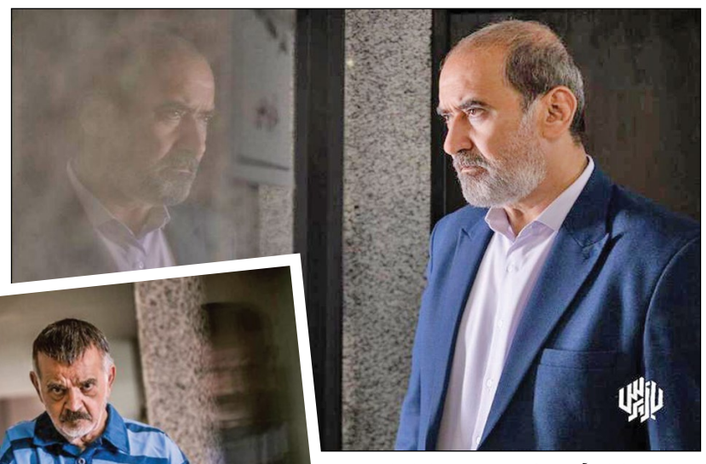
به هرحال مجموعه تلویزیونی«بازپرس» که حالا از نمونه آثار فاخر تلویزیون پس از گاندو و خانه امن و... است می‌تواند در جهت روشنگری و افشای دست‌های آلوده، عوامل نفوذی در اقتصاد کشور، افشای باندهای بزرگ فساد اقتصادی، کنار زدن چهره برخی از آقازاده‌های فاسد، تبهکاران و خائنین به مردم و کشور بسیار موثر باشد. رسانه ملی در دوره تحول سعی می‌کند به دنبال تولید آثاری برود که بتواند بازخورد خوبی در جامعه داشته باشد و ضمن آگاهی بخشی به مخاطبان و بیننده‌های تلویزیونی، افشاکننده شبکه‌های فساد، خیانت کاران، رسواکننده آقازاده‌های فاسد و جنایت کاران باشد و یقینا ما در کشور کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌های متعهد و انقلابی زیادی داریم که بسیار مایلند که آثاری را در این خصوص تولید کنند. بنابراین بایستی فضا برای ترویج و تولید این نوع مجموعه‌ها بیشتر فراهم شود.